

«ایران» را تنها برای ایران بخواهیم

«ایران» یکی از روزنامه‌های پیشگام در صنعت روزنامه نگاری کشور است. این موضوع خود را از چند جهت نشان می‌دهد که مهم‌ترین آن، در بحث فنی است. «ایران» در این مقوله توانسته بسیار خوب عمل کند و چه در همراهی با روزنامه‌های دیگر و چه در تقابل با آنها به خوبی ظاهر شده است. آنچنان که توانسته در این مسیر، سطح روزنامه نگاری در ایران را تا حدود زیادی ارتقا دهد.

اما بحث اصلی من بر سر محتوای این روزنامه است. وضعیت پارادوکسیکالی که «ایران» از آن برخوردار است، من را به عنوان یک خواننده، ناامید کرده است. اساساً روزنامه ایران باید در مورد ایران باشد. همچون روزنامه شرق که در مورد شرق است و همشهری که در مورد همشهری‌هاست. همچون روزنامه‌های دیگری که اسامی‌شان به این دلیل انتخاب می‌شوند که قرار است سوگیری و جهت‌گیری خاصی را دنبال کنند و این‌گونه هم رفتار می‌کنند. در طول ۳۰ سالی که از عمر روزنامه ایران می‌گذرد، این روزنامه بیشتر دچار ابهام شده و وضعیت پارادوکسیکال خود را ادامه داده است. به بیان ساده‌تر، این روزنامه بیشتر نماینده ساحت سیاسی در جامعه ایران بوده است، تا نماینده جامعه در روزنامه ایران. این

همان چیزی است که فضای سیاسی آن را مورد غفلت قرار داده و دامن ما و جامعه ایران را گرفته است.

از همین رو پیشنهاد این است که دوستان در روزنامه ایران، ایران را از منظر ایران بنگرند نه از منظر یک گروه سیاسی و گروه وابسته به دولت‌ها.

روزنامه ایران نماینده دولت است و سوگیری دولت را در عرصه سیاست و فرهنگ و جامعه و... دنبال می‌کند. او می‌تواند روزنامه دیگری باشد. مثلاً نامش را «دولت» بگذارند. نه اینکه آن را ایران بخوانند. پس می‌بینید که «ایران» ناخواسته تبدیل به روزنامه دولت شده است.

چاره چیست؟ به نظر نگارنده باید درخواست تأسیس روزنامه‌ای

به نام دولت داده شود، تا روزنامه ایران بتواند کار خود را پیش ببرد. اما حالا چه کاری می‌توان انجام داد؟ یکی از این موضوعات، دولت در ایران و دیگری، اتفاقاتی است که در ایران می‌افتد. در ایران معاصر با اتفاقات عجیب و غریبی روبه رو هستیم که معمولاً به طور پراکنده به آن می‌پردازیم. یکی از این مسائل بحران محیط زیست است که زیرمجموعه‌هایی همچون آلودگی هوا، ریزگردها و آب و... را شامل می‌شود. تمرکز و تراکم در شهرها که مجموعه‌ای از حوادث را ایجاد کرده است هم از دیگر مسائل مورد نظر است که در روزنامه‌ای به نام ایران به طور جدی می‌تواند به

عنوان یک خط حرفه‌ای دنبال شود.

مسئله بعدی هم گذشته ایران و تحولات آن، ایران و نیروهای اجتماعی و آینده ایران است. موضوع دیگر نوع استقرار جامعه ایرانی در ایران و یا نوع رابطه نظام سیاسی با جامعه و ایران است. همین موضوع می‌تواند موجب قبض و بسط مفهوم ایران باشد.

چه خوب است که یک بازبینی از خودمان در این ۳۰ سال داشته باشیم و از خودمان و دیگران دعوت کنیم و ببینیم روزنامه دولت را تأسیس کرده و «ایران» را تنها برای ایران بخواهیم یا نه.



تقی آزاد ارمکی
جامعه‌شناس



روزنامه ایران
نماینده دولت
است و سوگیری
دولت را در عرصه
سیاست و فرهنگ
و جامعه و...
دنبال می‌کند. او
می‌تواند روزنامه
دیگری باشد.
مثلاً نامش را
«دولت» بگذارند.
نه اینکه آن را
ایران بخوانند.
پس می‌بینید که
«ایران» ناخواسته
تبدیل به روزنامه
دولت شده است

